

○ گری لیبکاپ
○ مترجم: پیمان شادفر



کتاب ماه علوم اجتماعی / مهر و آبان ماه ۱۳۷۹

نهادها کلید پیشرفت یا انحطاط جامعه*

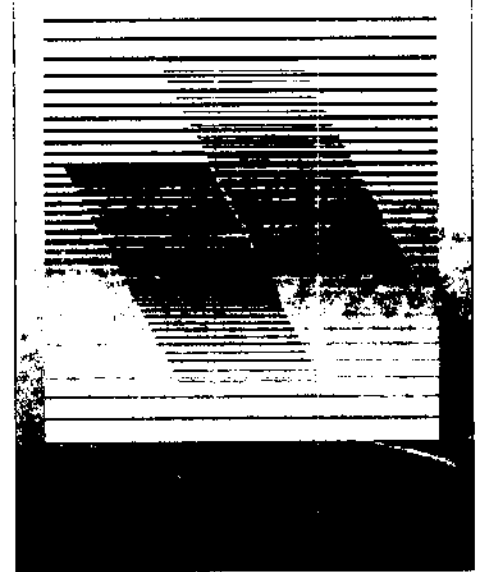
نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی
داگلاس نورث
محمد رضا معینی
سازمان برنامه و بودجه
۱۳۷۷، ۱۰۰۰ نسخه، ۲۳۹ ص.

جدیدی در خصوص توسعه نهادها و راههای تأثیرگذاری شان بر عملکرد اقتصادی به دست می‌دهد. در اولین قسمت، نورث برخی اصول موضوعه بنیادی را برای رفتار مطرح می‌کند که با نظریه نئوکلاسیک سنتی مغایر است. مطابق نظر نورث منشأ تفاوت در عملکرد اقتصادی، درون ساختار نهادی جامعه‌ای قرار دارد که انگیزه‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تولید و تجارت را تعیین می‌کند. نهادها قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که رفتارهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را شکل می‌دهند. از ترتیبات غیررسمی نظیر عرف گرفته تا قوانین رسمی نظیر مقررات قضایی. نهادها به معنای دقیق کلمه بر ترتیب منافع و هزینه‌ها تأثیر می‌گذارند، از جمله هم بر هزینه‌های تولید و هم بر هزینه‌های معاملاتی که مرتبط با بدیل‌های متنوع موجود برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد هستند. از این رو نهادها سمت و سوی رشد اقتصادی یا زوال اقتصادی را شکل می‌دهند. بنابراین مسأله اصلی توسعه و تاریخ اقتصادی، تبیین تکامل نهادهای اقتصادی و سیاسی‌ای است که محیط رشد را پدید می‌آورند. از آن جا که نظریه نئوکلاسیک مرسوم هزینه‌های معاملاتی را صفر یا نهادها را ایستا فرض می‌کند، برای چنین منظوری مفید نیست. در واقع، نظریه نئوکلاسیک پیش‌بینی

شاید تاکنون هیچ چالشی پیش‌روی اقتصاددانان و مورخان اقتصادی قرار نگرفته باشد که از فهم ریشه‌های تفاوت دائمی بین جوامع فقیر و غنی مهمتر بوده باشد. تفاوت‌هایی جدی در عملکرد اقتصادی در طول تاریخ وجود داشته است و میان جوامع کنونی نیز وجود دارد. در حالی که این مسایل، معماهایی پیش روی تاریخ‌دانان علاقه‌مند به تبیین رویدادهای گذشته نهاده است، سیاست‌های توسعه اقتصادی معاصر به قصد کاهش شکاف میان کشورهای فقیر و غنی به انتقال سرمایه‌های بی‌حساب و گروه‌های مشاوره‌ای بی‌شمار پرداخته‌اند. این مساعی در تبیین یا ایجاد رشد اقتصادی عمدتاً با شکست روبرو شده است.

از لحاظ جستجوی چرایی این شکست‌ها، داگلاس نورث در زمره مهم‌ترین اقتصاددانانی بوده است که بر توجه بیشتر به ساختار نهادی جامعه به طور اعم و ترتیبات حقوق مالکیت جامعه به طور اخص اصرار می‌ورزند. ضرورت درک منابع رشد با توجه به تلاش‌های صورت گرفته برای گذار موفقیت‌آمیز اقتصادهای اروپای شرقی به نظام بازار مبرم‌تر از پیش شده است. این کتاب مهم، که جزء سلسله انتشارات دانشگاه کمبریج در زمینه اقتصاد سیاسی نهادها و تصمیمات است، نمایانگر تحول اندیشه نورث در زمینه این مسایل طی بیست سال گذشته است و بصیرت‌های

نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی



چکیده

این کتاب مهم جزء سلسله انتشارات دانشگاه کمبریج بر زمینه اقتصاد سیاسی نهادهاست و نمایانگر تحول اندیشه نورث در زمینه مسایل ساختار نهادی جامعه و حقوق مالکیت جامعه طی بیست سال گذشته است و بصیرت‌های جدیدی در خصوص توسعه نهادها و راههای تأثیرگذاریشان بر عملکرد اقتصادی به دست می‌دهد.

از نظر نورث نهادها در رشد اقتصادی یا زوال اقتصادی نقش به‌سزایی دارند. بنابراین مسأله اصلی توسعه و تاریخ اقتصادی تبیین تکامل نهادهای اقتصادی و سیاسی است که محیط رشد را پدید می‌آورند. از نظر وی عوامل تغییرات همان سازمان‌ها و کارآفرینان درونشان هستند که می‌کوشند امکان دستیابی به اهدافی خاص را درون محیط نهادی به حداکثر برسانند.

در حقیقت نوعی اقتصاد سیاسی واقع بینانه لازم است که تحلیل نهادی را با نظریه نئوکلاسیک تلفیق کند. تحقیقات جدید باید جزئیات چارچوب سیاسی‌ای را بررسی کند که تغییرات نهادی در قالب آن امکان‌پذیر باشد. تنها از طریق تحلیلهای خرد می‌توان دید که ترتیبات نهادی سودمند دقیقاً چگونه ایجاد می‌شوند یا با مانع روبرو می‌شوند.

در جستجوی چرایی شکست تلاش‌هایی که
برای تبیین یا ایجاد رشد اقتصادی در کشورهای فقیر
به عمل آمده، داگلاس نورث بر توجه بیشتر به
ساختار نهادی جامعه به طور اعم و ترتیبات حقوق مالکیت
جامعه به طور اخص اصرار می‌ورزد

کنشگران تحت تأثیر عواملی چون اطلاعات ناقص،
فرآیندهای ذهنی که از رهگذر آنها اطلاعات
تجزیه و تحلیل می‌شود و نیز تحت تأثیر نهادهای موجود
که احتمالاً خود نیز در ساختن‌شان مشارکت دارند،
عمل می‌کنند

تحقیقات جدید باید جزئیات یک چارچوب سیاسی را
مورد مطالعه قرار دهند که چانه‌زنی‌ها برای تغییرات نهادی
در قالب آن به وقوع می‌پیوندد

نکته مهم اینکه ای کاش نورث تفصیل بیشتری
به خرج داده بود، خاصه درخصوص سیاست تغییرات
نهادی. همین جاست که وابستگی به مسیر طی شده
و بسیاری از ناکارایی‌ها و کشمکش‌های بالقوه تغییرات
نهادی را می‌توان به وضوح دید. تغییرات به این یا
آن طریق در عرصه سیاسی به وقوع می‌پیوندد و
ضرورتاً متضمن توزیع مجدد ثروت و قدرت سیاسی
است. تغییرات نهادی هم برنده می‌آفریند هم بازنده و
از این رو برای سیاستمداران همراه با ریسک است.
سیاستمداران روابط خویش را با گروه‌های ذینفع متنفذ
به قصد حمایت از موقعیت‌شان استحکام می‌بخشند.
قدرت قهری دولت و انواع گروه‌های متنفذ سیاسی،
امکان فرصت‌طلبی در قوانین، و احکام اجرایی را در
زمینه توزیع مجدد ثروت و حقوق مالکیت برای کسانی
فراهم می‌آورد که از نظر سیاسی تفوق دارند. دلیلی
وجود ندارد که این فرآیند به نوعی توزیع حقوق مالکیت
منجر گردد که با پیشینه‌سازی ثروت اجتماعی سازگار
باشد. تنها تحت شرایط ویژه‌ای (که تاریخ گواه می‌دهد
بسیار نادرند) است که پرداختهای جانبی در عرصه
سیاسی تکافو می‌کند تا جناحهای مخالف را جبران
کند و مبادلات از لحاظ اجتماعی سودآور را تسهیل
گرداند و نهادهایی کارا خلق کند. لذا اگر توزیع قدرت
سیاسی در این فرآیند بی‌ثبات باشد، حقوق مالکیت
حاصله تضمین نخواهد شد و ناطلمینانی، انگیزه‌های
رفتار تولیدی را تضعیف می‌گرداند.

در قسمت پایانی کتاب، نورث به برخی اصول
موضوعه رفتاری مورد بحث در قسمت‌های قبلی
بازمی‌گردد تا اثرات نهادها را بر عملکرد اقتصادی مورد
بررسی قرار دهد. او به نمونه‌های متفاوت مستخرج از
تاریخ اقتصادی ایالات متحده، انگلستان و آمریکای
لاتین اشاره می‌کند. برای فهم معماهای رشد اقتصادی
و تمهید راهکارهای مفید سیاستی، نورث اهل اقتصاد
را به چالش می‌طلبد تا دیدگاه‌های مبسوط‌تر و
پیچیده‌تری را درباره رفتارهای اقتصادی و سیاسی
انجاذ کنند. مفاهیم پیچیده‌ای نظیر اعتقادات،
ایدئولوژی‌ها و نهادها در توسعه اقتصادی نقشی چندان
مهم ایفا می‌کنند که دیگر نمی‌توانند از سوی اهل
حرفه نادیده انگاشته شوند.

در حقیقت، به نوعی اقتصاد سیاسی واقع‌بینانه
نیاز است که تحلیل نهادی را با نظریه نئوکلاسیک
تلفیق کند. تحقیقات جدید باید جزئیات چارچوب
سیاسی‌ای را مورد مطالعه قرار دهند که چانه‌زنی‌ها
برای تغییرات نهادی در قالب آن به وقوع می‌پیوندد.
این امر متضمن شناخت گروه‌های ذینفع رقیب و
روابطشان با سیاستمداران و بروکراتهاست و اینکه
چگونه مانور همه گروه‌ها بر تغییرات نهادی
تأثیری می‌گذارد. تنها از طریق تحلیل‌های خرد می‌توانیم
بینیم ترتیبات نهادی سودمند دقیقاً چگونه ایجاد یا با
مانع روبرو می‌شوند.

* توضیح: عنوان مقاله، برگزیده کتاب ماه علوم
اجتماعی است و متن آن در بخش تحریریه ویرایش
اساسی شده است.

حتماً شکل خواهند گرفت.

پیچیدگیهای مضمون در تغییرات نهادی، کانون توجه
بخش دوم کتاب را به خود اختصاص داده است. سه
فصل موجود در این بخش دربرگیرنده آورده‌های اصلی
آثار قبلی نورث است و در عین حال نشان می‌دهد که
تا رسیدن به شناختی از تغییرات نهادی چه بسیار
تحقیقاتی باید که هنوز صورت نگرفته است. عوامل
تغییرات همانا سازمانها و کارآفرینان درون‌شان هستند
که می‌کوشند امکان دستیابی به اهدافی خاص را درون
محیط نهادی حداکثر سازند. هنگامی که قیمت‌ها و
تکنولوژی یا تلقی‌ها تغییر می‌یابند، آن جا که این کار
در چارچوب ساختار موجود امکان‌پذیر نباشد، کارگزاران
درصد تغییر ساختار برمی‌آیند.

اما کنش‌های کنشگران تحت تأثیر عواملی شکل
می‌گیرد چون اطلاعات ناقص، فرآیندهایی ذهنی که
کنشگران از رهگذر آنها اطلاعات را تجزیه و تحلیل
می‌کنند، و همچنین تأثیر نهادهای موجود که احتمالاً
خود نیز در ساختن‌شان مشارکت دارند. از این رو، فرآیند
تغییرات نهادی عموماً تغییراتی ذره ذره است که
وابستگی به مسیر طی شده وجه مشخصه آن است. با
وجود این، ای بسا منابع و مهارت‌های سازمانی که
برای استفاده کارآمد یا اصلاح نهاد بخصوصی ضرورت
دارد به کارایی اجتماعی بیشتری نینجامد.

می‌کند که در طول زمان نهادهای ناکارا تبدیل به
احسن می‌شوند و اقتصادها رفته‌رفته به هم نزدیک
می‌شوند. البته اقتصادها تاکنون که به یکدیگر نزدیک
نشده‌اند و از همین روست که نورث نظریه نئوکلاسیک
را بسط داده و در عین حال که بر غنای آن افزوده
باعث پیچیدگی‌اش نیز شده است.

نهادهای پدید می‌آیند تا ناطلمینانی، هزینه‌های تولید
و هزینه‌های معاملات را کاهش دهند. هنگام مواجهه
با اطلاعات ناقص و نامتعادل درباره انتخاب‌های
اقتصادی و توانایی محدود افراد در پردازش این اطلاعات،
نهادهای ساختاری جهت تفسیر و پاسخگویی به وقایع
اقتصادی مهیا می‌سازند. نهادهای از همان بدو
شکل‌گیری‌شان ای بسا دچار تغییر شوند، اما میراث‌شان
سخت تأثیرگذار است چرا که انتخاب‌های فعلی و آنی
را ضرورتاً نهادهایی تعیین می‌بخشند که در گذشته‌ها
پدید آمده‌اند. در واقع، تاریخ اقتصادی نتیجه فرآیند پویا
اما پرفراز و نشیب تغییرات نهادی است.

انواع نهادهای مناسب برای جوامع روستایی
میشی که وجه مشخصه‌شان عبارت است از مبادله
شخصی و قراردادهای تکراری در واقع با نهادهای
ضروری، برای اقتصادهای مدرن که تولید و مبادله
پیچیده‌می‌باشد. اما نکته اصلی این که در فرآیند
تغییرات نهادی تضمینی وجود ندارد که نهادهای کارا

نهادگرایی و جهاد سازندگی

نهادگرایی و جهاد سازندگی

محمد جواد ایروانی

روابط عمومی وزارت جهاد سازندگی

۱۳۷۹، ۹۷۴، ص ۳۰۰، نسخه

عباس رحیمی

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی



اشاره شده است. موضوعات ده فصل بعدی کتاب را می توان به سه بخش تقسیم کرد. بخش اول که به مبانی نظری نهاد و نهادگرایی اختصاص دارد فصل دوم را تشکیل می دهد بخش دیگر کتاب که شامل فصل سوم، پنجم تا نهم است به معرفی و شناخت ساختار تشکیلاتی جهاد، شاخص سازی ویژگیهای نهادهای در وزارت جهاد سازندگی براساس عملکرد و متکی بر اسناد و مدارک و بخش سوم که فصل یازدهم کتاب است به مطالعه پیمایشی برای آزمون فرضیهها پرداخته است.

مروری بر مباحث نظری کتاب

در فصل دوم به مبانی نظری نهادگرایی می پردازد. در ابتدا مفهوم واژه نهاد و تعریف آن مورد بررسی قرار گرفته و سپس به نظریه نهادگرایی در شاخه های مختلف علوم انسانی از جمله جامعه شناسی، اقتصاد حقوق و علوم سیاسی اشاراتی شده است. از آنجا که موضوع اصلی تحقیق، رویکرد نهادگرایی در حوزه سازمان و مدیریت است به نظر می رسد دلیل ارائه نظریات نهادی در سایر حوزه های علوم معرفی برخی از ویژگی های مشترک نهاد است که این نظریهها برآن متفق اند. این ویژگی ها که زمینه ساز نظریه نهادگرایی بوده به شرح زیر است:

نهاد به عنوان یک سیستم تنظیمی

از دیدگاه نهادگرایان واقعیت اجتماعی توسط افراد به وجود نمی آید بلکه به طور مستقل و منفک از افراد ایجاد می شود. واقعیت ساخته و پرداخته ذهن آدمی نیست. در این معنا نهاد متشکل از عناصری است که کنشگران را ملزم به رعایت قواعد و اصولی می نماید تا منابع خود را حفظ نمایند. کنشگران نیز صرفاً برای فرار از مجازاته قوانین و احکام را رعایت می کنند.

نهاد به عنوان یک سیستم هنجاری

تاکید بر ایجاد هنجاری نهادها، نوعی اولویت دادن به الزامات و ارزش های پذیرفته شده و عقاید اخلاقی است به عنوان سبایی برای نظم اجتماعی. در این معنا رفتار افراد براساس گرایش ها و مصالح فردی نیست بلکه متاثر از موقعیت و نقش اجتماعی آنها و ناشی از نظام ارزشی موجود است.

نهاد به عنوان یک نظام اجرایی

در جدیدترین برداشته نهاد ترکیبی از عناصر و عوامل

کتاب «نهادگرایی و جهاد سازندگی» همانطور که از عنوان آن برمی آید، پژوهشی است پیرامون شناخت عملکرد و نحوه سازماندهی فعالیتها در جهاد سازندگی و ارتباط آن با چارچوب نظری نهادگرایی.

مؤلف کتاب در طول دو دهه گذشته مسئولیتهای مختلفی را در سطوح عالی نظام اجرایی کشور به عهده داشته است. مؤلف در این پژوهش از مشاوره های علمی و همکاران پژوهشی بهره برده است.

این اثر به دلیل داشتن مضامینی در حوزه نظرات نهادگرایان و تحلیل فعالیت های جهاد سازندگی براساس یک چارچوب نظری از جمله پژوهشهای درخور توجه به شمار می رود. کتاب از ۱۲ فصل ميسوفا تشكيل شده است.

تحليل علمی و روشمند عملکرد وزارت جهاد سازندگی از آن حیث که این نهاد برای برقراری پیوند میان تعهد و تخصص در چارچوب نظام اجرایی کشور براساس سازمانی منطقی و به دور از چارچوب های خشک سنتی ایجاد شده بود حائز اهمیت است. جهاد سازندگی به نظر تنها نهادبرآمده از انقلاب بود که گسترش چارچوب های اینفلوژیک را از طریق توسعه آبلانی و سرسبزی دنبال می کرد و محوریت زدایی و فدرسبزی را از جهت گیری های اصلی نظام می دانست و مسیر حرکت را بر پایه شعار «همه با هم» انتخاب کرده بود. گرچه جنگ تحمیلی جهاد را به شدت درگیر خود ساخت و وظیفه مند شدن در فعالیت های بخش کشاورزی جهاد را مجبور به پذیرش ساختارهای سنتی وزارت خانهها ساخت اما در طول تمامی تحولات، جهاد سازندگی، نظام ویژه ای از تشکیلات سازمانی بر پایه شوراهای (تا سال ۱۳۶۱) نظام اداری و مالی ویژه ای براساس آیین نامه های داخلی و نظام ویژه ای در ارتقاء سازمانی براساس سوابق گذشته برقرار کرد. این ویژگی ها در تحلیل عملکرد جهاد قضاوت های مثبت و منفی متعددی را برانگیخته است.

پژوهش حاضر، دارای دو محور است. محور نخست به چارچوب نظری نهادگرایی به ویژه در حوزه سازمان و مدیریت اختصاص دارد و محور دیگر بررسی عملکرد جهاد به کمک ابزارهای تحلیلی است. نحوه ارتباط و انطباق سازمان و عملکرد جهاد سازندگی با چارچوب نظری نهادگرایی، روش شناسی تحقیق را تشکیل می دهد.

صرف نظر از فصل اول که به کلیات اختصاص دارد و در آن به اهداف روش شناسی و سابقه تحقیقات پیرامون موضوع پژوهش

چکیده

این کتاب پژوهشی است در مورد عملکرد و نحوه سازماندهی فعالیتها در جهاد نانشگاهی و ارتباط آنها با چارچوب نظری نهادگرایی. این پژوهش دارای دو محور است. یکی چارچوب نظری نهادگرایی به ویژه در حوزه سازمان و مدیریت. و دیگری بررسی عملکرد جهاد به کمک ابزار تحلیلی. کتاب حاوی اطلاعات و تحلیل مستندی درباره شکل گیری جهاد، تحولات و فعالیت های آن است و با استفاده از مدل تحلیلی لویث، می کوشد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه ویژگی های نهاد در فعالیت های جهاد سازندگی وجود دارد. فصل آخر این پژوهش با استفاده از پرسشنامه مصاحبه و مطالعات اسنادی به آزمون فرضیه در مورد وجود ویژگی های نهادی در فعالیت های جهاد سازندگی می پردازد. نتایج پژوهش نشان می دهد در مورد وجود ویژگی های نهادی در جهاد سازندگی توافق جمعی وجود دارد. اما مشکل اصلی این پژوهش، یکی نداشتن تعریف مشخص از این ویژگی ها و دیگری هم پوشانی این ویژگی هاست.

انراکی محسوب می‌شود. مفروضات این دیدگاه در تقابل کامل با رویکرد رئالیست‌های اجتماعی است. در این دیدگاه مردم واقعیت را کشف نمی‌کنند بلکه آن را خلق می‌کنند. در این معنا کنشگران به طور طبیعی ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و علایق خود را نشان نمی‌دهند. این علایق، سازمانی اجتماعی است که متناسب با زمان و مکان تفاوت می‌کند. ویژگی‌های کنشگران اعم از فرد و جمع از طریق قواعد فرهنگی تعریف می‌شوند.

در حوزه علم سازمان و مدیریت که گرایش اصلی مولف کتاب است نهادگرایی براهیمت عناصر روانشناختی، سیاسی و اجتماعی در مطالعه پدیده‌ها و به ویژه در مطالعه سازمانها تاکید می‌کنند. بر خلاف دیدگاه‌های گذشته که بر ایجاد ملای، تکنولوژی نظام تولید و منابع تاکید می‌ورزیدند نهادگرایی به نقش عناصر ذهنی، نظام‌های شناختی، نظام قواعد فرهنگی در سازمان‌ها اهمیت می‌دهند. از نظر آنها ثبات و نظم موجود در هر سازمان، ناشی از نظام عقاید و ساختارهای منطقی است که به طور رسمی و غیررسمی وجود دارد. به علاوه تئوری نهادی برای نظام‌های سمبلیک و روندهای انراکی لولویت قابل است. سزینیک که از صاحب‌نظران علم سازمان و مدیریت است بین سازمان و نهاد تفاوت قابل شده است. از دیدگاه لو:

«واژه سازمان، سیستم سلاه مشخص، دقیق و منطقی از فعالیت‌های هماهنگ شده آگاهانه را نشان می‌دهد. این واژه به یک ابزار ضروری و یک وسیله عقلایی طراحی شده برای انجام یک کار اشاره دارد. هر سازمانی برای پیشبرد اهداف خود با مجموعه‌ای از کارکنان، با هنجارها و ارزش‌های مختلف و گله متناقص، با اهداف سازمان (گروه‌های درونی) و همچنین با ارزش‌های محیطی و اجتماعی که سازمان در آن به فعالیت می‌پردازد مواجه است. فرآیندی که طی آن سازمان با تلاش‌های گروه‌های درونی و ارزش‌های جلمعه بیرونی سازگاری شود فرایند نهادی شدن نامیده می‌شود. براساس دیدگاه سزینیک «بعضی از سازمان‌ها فقط سازمان هستند و سرمایه‌گذاری انسانی در آنها کم است و بدون برانگیختن تمسفی می‌توان آنها را کنار گذاشت اما سازمان‌هایی که در فرایند سرشاری از ارزش، انطباق‌پذیری و نهادینه شدن سرمایه‌گذاری انسانی در آن اهمیت داشته و دیرپاترند.» در این مطالعه برای شناخت ویژگی‌های مختلف نهاد با استاد منابع موجود در حوزه مدیریت و سازمان چهار ویژگی ارزشمندی، استمرار، پویایی و انعطاف‌پذیری مورد شناسایی قرار گرفته و به عنوان معیار سنجش میزان نهادی شدن فعالیت‌های جهاد سازندگی به کار گرفته شده است. علاوه بر این، تمداد شش ویژگی نیز از طریق نظرخواهی از کارشناسان و مسئولان جهاد سازندگی و مردم‌گرایی، دین محوری، فرهنگ خاص سازمانی و نوآوری. در مطالعه حاضر، مجموعه این ده ویژگی مورد توجه است.

شاخص‌سازی ویژگی‌های نهادی جهادسازندگی

فصل سوم کتاب به معرفی و شناخت تحولات سازمانی جهاد و فصول پنج آلی به آن به شاخص‌سازی ویژگی‌های نهادی جهادسازندگی اختصاص دارد.

در بخش معرفی و شناخت تحولات سازمانی جهاد اطلاعات و تحلیل مستندی در باره ضرورت‌های شکل‌گیری جهاد، تاریخچه تحولات تشکیلاتی و تحلیل دوره‌های مختلف فعالیت جهاد می‌توان دید. از آنجا که برای جمع‌آوری اطلاعات علاوه بر اسناد و مدارک کتابخانه‌ای از مصاحبه با ۳۳ نفر از موسسین جهاد نیز استفاده شده است به نظر می‌رسد شناخت جمعی از تحول ساختار تشکیلاتی جهاد به خواننده ارائه می‌شود.

شش فصل بعدی کتاب که حدود ۵۱۱ صفحه است به عملیاتی کردن ویژگی‌های نهادی در جهاد سازندگی می‌پردازد. در این مطالعه شش فعالیت عمده در جهاد سازندگی یعنی فعالیت عمران روستایی و عشایری، علم و طیور، منابع طبیعی، شیلات،

بر خلاف دیدگاه‌های گذشته که بر ابعاد مادی، تکنولوژی نظام تولید و منابع تاکید می‌ورزیدند، نهادگرایی به نقش عناصر ذهنی، نظام‌های شناختی، نظام قواعد فرهنگی در سازمان‌ها اهمیت می‌دهند



در فعالیت سازماندهی قالیبافان، جهاد با استفاده از مکانیزم تعاونی، سبب جلوگیری از استثمار قالیبافان توسط واسطه‌ها، بالا بردن سطح مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و حفظ و احیای نقشه‌های اصیل ایرانی و افزایش سطح درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی آنها شده است که این شاخص‌ها گویای ارزشمندی در جهاد تلقی شده است

صنایع دستی (فرش) و برخی پروژه‌های انتخابی تحت عنوان جلوه‌های ویژه مورد بررسی قرار گرفته است. برای پاسخ به این سوال که چگونه ویژگی‌های نهاد در فعالیت‌های جهادسازندگی وجود دارد از مدل تحلیلی براساس مدل «لوزی لویث» استفاده شده است. به این مفهوم که ویژگی‌های نهادی در ساختارپروش، افراد و محصول / خدمت در حیطه‌های مختلف فعالیت جهاد مورد تحلیل قرار گرفته است. برای مثال در فعالیت سازماندهی قالیبافان، جهاد با استفاده از مکانیزم تعاونی، سبب جلوگیری از استثمار قالیبافان توسط واسطه‌ها، بالا بردن سطح مشارکت مردم در تصمیم‌گیری (حق رای در تعاونی) و حفظ و احیای نقشه‌های اصیل ایرانی و افزایش سطح درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی آنها شده است که این شاخص‌ها گویای ارزشمندی در جهاد تلقی شده است و برای مردم‌گرایی معرف‌هایی مانند اجرای پروژه بهداشتی کردن کارگاه‌های قالیبافی، ارائه خدمات درمانی برای قالیبافان و جلوگیری از کار کودکان در کارگاه‌های قالیبافی تحت پوشش وزارت جهاد سازندگی ارائه گردیده است.

ویژگی عملیاتی کردن شاخص‌های نهادگرایی، تکیه هر معرف به عملکرد مشخصی است که به‌دور از گرایش‌های سازمانی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. هم پوشانی ویژگی‌ها با یکدیگر و نشان دادن تعریف مشخصی از هر ویژگی مشکلی است که این پژوهش با آن مواجه است. برای مثال ویژگی استمرار نتیجه‌ای از فرایند نهادی بودن یک سازمان است که سبب پایداری آن در بلند مدت می‌شود. در حالی که در این مطالعه معرف‌هایی که به ویژگی سیاست‌های جهاد در اجرای پروژه‌ها مربوط می‌شود مترادف با ویژگی استمرار گرفته شده است. بدیهی است که معرف‌های استمرار می‌باید نه در سیاست‌های اجرایی که در خود سازمان جستجو شود. همچنین برای ویژگی دین محوری، شاخص‌هایی مثل رعایت پوشش کامل اسلامی کارکنان، برپایی نماز جماعت آموزش مستمر عقیدتی و... عنوان شده است. در حالی که دین از اعتقالات درونی است و با بلورهای درونی هر فرد ارتباط دارد و در جلمعه‌ای که اکثریت آن مسلمان هستند در همه فعالیت‌ها به نوعی تاثیر این بلورها را می‌توان دید. گرچه دین باوری اعضای یک سازمان می‌تواند عملکرد آن را تحت تاثیر قرار دهد اما معرف‌های مطرح شده برای دین محوری، بیشتر به ایجاد مناسکی دین توجه کرده است و معرفی نتواند تاثیر این بلورها را بر رفتار سازمانی مشخص کند ارائه نگردیده است.

آزمون فرضیه نهادی بودن جهادسازندگی

فصل یازدهم این پژوهش به آزمون فرضیه در مورد وجود ویژگی‌های نهادی در فعالیت‌های جهادسازندگی اختصاص دارد.

برای ساختن معرف‌های مربوط به ویژگی‌های نهادی و تطبیق آنها بر فعالیت‌های جهادسازندگی از روش‌های زیر استفاده شده است.

الف) با مراجعه به مطالعات نهادی در حوزه سازمان و مدیریت چهار ویژگی عمده نهاد یعنی ارزشمندی، استمرار، پویایی و انعطاف‌پذیری شناسایی شده است.

ب) تهیه پرسشنامه مقدماتی و نظرخواهی از چهل و پنج نفر از کارشناسان و مسئولان جهاد سازندگی و برخی از اساتید دانشگاه برای توافق بر سر ویژگی‌ها و معرف‌های نهادی جهادسازندگی.

ج) از طریق مصاحبه ساختار یافته با بیست و سه نفر از مسئولین با سابقه جهاد سازندگی در سطوح بالا و میانی و اساتید دانشگاه مرتبط با جهاد ویژگی‌های جهاد سازندگی استخراج شده است.

د) مطالعات اسنادی درباره فعالیت‌های عمده جهاد و بازدید از فعالیت‌ها و پروژه‌های عمده آن جهت تطبیق ویژگی‌های استخراج شده با فعالیت‌های مذکور.

با استفاده از مجموعه روش‌های فوق، ۴۰ معرف که گویای ده ویژگی جهاد سازندگی بود ساخته شده و از طریق پرسشنامه از ۵۶۵ نفر در مورد این معرف‌ها نظرخواهی به عمل آمده است. از این پاسخگویان ۵۲٪ درصد از اعضای جهادسازندگی و ۴۰٪ درصد از سازمان‌های دیگر بوده‌اند و ۷٪ درصد نیز سازمان متبوع خود را ذکر نکرده‌اند. اغلب پاسخگویان غیرجهادی از مسئولین فرهنگی، سیاسی و اجرایی استانها انتخاب شده‌اند.

پس از استخراج نتایج به کمک آزمون‌های مختلف آماری که مشروح آن در کتاب آمده داده‌های پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است. با نگاهی به نتایج این نظرخواهی می‌توان توافق جمعی بر سر معرف‌ها و ویژگی‌های نهادی در جهاد سازندگی را مشاهده کرد. با مراجعه به جدول نتایج، میانه و نمای اغلب ویژگی‌های مطرح شده برابر ۵ است که این گویای موافقت اکثریت پاسخگویان با آن ویژگی‌هاست و چنین تفاهمی می‌تواند ناشی از یکی از عوامل زیر باشد:

۱. بارز بودن چنین ویژگی‌هایی در فعالیت جهادسازندگی
۲. انتخاب غیر تصادفی پاسخگویان به گونه‌ای که اغلب پاسخگویان دارای نظرات مشابه بوده‌اند.

از پیشنهادها مولف در پایان این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱) در ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات، علاوه بر شیوه سنتی، معیارهای نهادی نیز باید مورد توجه قرار گیرد: «در تعیین سیاست‌های کلی برای سازمانی، برنامه‌ریزی و مدیریت منابع انسانی و قبول و رد طرح‌ها و پروژه‌ها لازم است علاوه بر شاخص‌هایی که همواره در سازمان‌های سنتی مورد توجه قرار می‌گیرد سلاک‌ها و معیارهایی که تعیین‌کننده میزان برخورداری این موارد از ویژگی‌های نهادی است تئوین و مورد استفاده قرار گیرد.

۲) توجه به نهادی کردن فعالیت‌ها و ارتباطات از طریق نهادسازی برای مثال تشکیل شوراهایی مانند شورای لنینت که از مجموعه نمایندگان تولیدکنندگان، دستگاه‌های اجرایی مرتبط و عرضه‌کنندگان تشکیل شده است در اتخاذ سیاست‌های مناسب و هماهنگ کارایی داشته است.

۳) گسترش فعالیت‌ها در قالب نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی که در آنها قابلیت حفظ و تلاوم ویژگی‌های نهادی بیشتر است.

در پایان موافقه مطالعه انجام شده را تحلیل و تبیین نهاد جهاد سازندگی در سطح اکولوژیکی (ارتباط سازمان با محیط اطراف) دانسته و در نظر گرفتن ایجاد ساختاری نهادها و همچنین بد روان‌شناسی اجتماعی نهادها را از لولویت‌های تحقیقاتی بعدی خود می‌تواند.